

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهي از منکر

”احاديث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث: چهاردهم: اخلاق خدا!

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ:

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ

\* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٥؛ ص ٥٩ - الخصال؛ ج ١؛ ص ٤٢ - تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)؛ ج ٦؛ ص ١٧٧ - روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)؛ ج ٢؛ ص ٣٦٥ - مجموعة ورام؛ ج ٢؛ ص ١٢٤ - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ ج ١١؛ ص ٤٤ - الوافي؛ ج ١٥؛ ص ١٧٤ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٢٤ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ١٨؛ ص ٤٠٥ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٩٧؛ ص ٧٥

طريق اول: (مرفوع / عادي) أحمد بن أبي عبد الله [احمد بن محمد بن خالد البرقي ، امامي، ثقة، جليل] عن يعقوب بن يزيد [الانباري، امامي ثقة جليل] رفعه قال قال أبو عبد الله ع

## \* شرح و ترجمه حدیث:

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

امر به معروف و نهی از منکر دو خُلق از اخلاق الهی هستند (دو ویژگی از ویژگی‌های اخلاقی خداوند هستند)؛ هرکس این دو (واجب) را یاری کند خدا او را عزیز می کند، و هرکس آن دو را رها (و خار) کند خدا هم او را رها (و خار و ذلیل) می کند.

## \* نکات:

۱- امام باقر (ع) در این روایت، دو جمله ساده ولی عمیق و غنی می فرماید؛

اول اینکه امر به معروف و نهی از منکر «دو خُلق از اخلاق الهی» هستند؛ خود همین نکته است. چرا که تقریباً هیچ کدام از واجباتی که در قرآن ذکر شده، «شأن ربوبی» ندارند.

مثلاً در میان فروع دین، «نماز» شأن ربوبی ندارد، خدا نماز نمی خواند!

هیچ جای قرآن نگفته خدا نماز می خواند. یا «روزه» شأن ربوبی ندارد.

خدا «حج» نمی گزارد، خدا «خمس» و «زکات» نمی دهد،

(«تولی» و «تبری» را حالا شاید بشود برایش شأن ربوبی قائل شد)؛

ولی «امر به معروف» و «نهی از منکر»، کاملاً شأن ربوبی دارند:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ، إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى...؛

در این روایت نیز این دو، دو صفت از «صفات پروردگار» برشمرده شده است:

«خُلُقَانِ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ».

۲- در بعضی جاها، روایت با کلمه «خُلُقَانِ» هم آمده است؛ که یعنی امر به معروف و نهی از منکر

دو «مخلوق الهی» هستند.

۳- نکته اصلی و قابل تذکر، عبارت دوم حدیث و این دو جمله طلایی حضرت باقر (ع) است که:

۱. «فَمَنْ نَصَرَ هُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ»:

هر کس این دو واجب را (این دو خُلق یا مخلوق الهی را) یاری بدهد، نصرت بکند،

خدا او را عزیز می کند؛

هر کس امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد و این دو واجب را یاری کند،

خدا به او عزت می دهد؛

امام حسین (علیه السلام) را ببینید، امام خمینی (رضوان الله علیه) را ببینید،

شهید نواب صفوی، آیت الله شیخ نمر، آیت الله زکزاکی ...،

اینها همه امر به معروف و نهی از منکر را نصرت کردند، یاری و احیا کردند؛

و خدا هم آنان را عزیز کرد.

۲. «وَمَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ»: هر کس این دو واجب را رها کند خدا او را رها می کند.

هر کس این دو واجب را ذلیل کند، خدا او را ذلیل می کند؛

خدا به خودش واگذارش می کند

**\* پیام ها و رهنمودها:**

۱- خیلی روایت زیبایی است. و خیلی عجیب است که چرا ما از این روایات غافلیم!

چرا تا به حال نخوانده اند برایمان؟ یا نخوانده ایم و نشنیده ایم؟ یا اگر خوانده اند دقت نکردیم؟

خیلی روایت مهمی است، اگر این روایت را توجه داشته باشیم و عمل کنیم، زندگی مان را به

آسمان می برد؛

و غفلت از این روایت زندگی مان را به فنا می دهد...

۲- چه فرمول قشنگی: می خواهی عزیز شوی؟

امر به معروف کن، خدا عزیزت می کند!

بله، اولش شاید مسخره ات هم بکنند، شاید باهات مخالفت هم بکنند،

ولی بعد بهت ایمان می آورند.

می خواهی در دنیا خدا نصرت کند؟

امر به معروف و نهی از منکر را نصرت کن!

و اگر هم می خواهی خدا بزندت و ذیلت کند،

امر به معروف و نهی از منکر را رها کن و ذلیل کن!!

هرکس این دو واجب را خوار و خفیف کند و رها کند

(امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهد و «به من چه و به تو چه؟!» بگوید)،

خدا هم او را دچار خذلان می کند؛ او را رها می کند و ذلیلش می کند.

۳- عزّت از آن خداست؛

فکر نکنی اگر یک فحشی خوردی، عزّت زیر سؤال رفت.

همین آدمی که امروز به تو گفت به تو چه! یک روز سرافکنده می آید خدمت شما و می گوید

«خدا خیرت بدهد که گفتی، اما من گوش نکردم...»

یا با افتخار می گوید «آن روز ازت دلخور شدم، ولی دستت درد نکند که گفتی و باعث شدی الآن

مثل بقیّه‌ای که آن مسیر کج را رفتند، من سرافکنده نشوم...»؛

لذا: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ و لِرَسُولِهِ و لِلْمُؤْمِنِينَ»!

۴- فرمول این روایت، انسان را به یاد این آیه زیبای قرآن می اندازد،

که بسیار هم مورد تاکید و توجه مقام معظم رهبری است:

«إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ»:

اگر خدا شما را نصرت کرد، اگر خدا بخواهد عزیزت کند، چه کسی می تواند بر تو پیروز

و چیره شود؟!!

ایشان می فرمایند: ملت‌ها باید این جمله را پرچم کنند و بزند بالای سرشان...

(تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ: خدا هر کس را بخواهد عزیز می کند)؛

«و إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ؟»:

اگر کاری کردی که خدا خذلان برایت خواست، خدا ذلیلت کرد،

دیگر چه کسی می تواند جز خدا یاری ات کند، بعد از خدا چه کسی می تواند یاری ات کند؟

هیچکس!

حالا فرمول این آیه را بگذارید کنار فرمول روایت؛

ببینید چه می شود: «اگر امر به معروف و نهی از منکر می کنی، خدا یاری ات می کند، نصرت می

کند، و دیگر هیچ کس نمی تواند جلودارت باشد.

یهود کیست؟! صهیونیسم کیست؟!!

امر به معروف و نهی از منکر را زنده کنید مردم!

اگر امر به معروف و نهی از منکر را رها کردی، خدا نصرت نمی کند!

دیگر کی می خواهد نصرت کند؟ هیچکس!

دنیا هم جمع شود نمی تواند نصرت کند. چرا که «از ماست که بر ماست»...

۵- «یاری کردن امر به معروف و نهی از منکر» فقط به این نیست که وقتی این حدیث را خواندید یا شنیدید، بروید از این به بعد فقط تذکر لسانی بدهید؛

نه، باید این واجب را «یاری کنیم»!

بین برای «ترویج» امر به معروف چه کاری از دست بر می آید:

می توانی برایش پول خرج کنی؟ برایش وقت بگذاری؟ برایش فکر کنی؟ می توانی این سی دی یا کتاب را تکثیر یا تهیه کنی و به صد نفر بدهی؟ می توانی این حدیث را بنویسی در چهارصد جای

دیگر نصب کنی؟ یا در فضای مجازی منتشر کنی؟ یا...؟

«احیای امر به معروف»، «نصرت به امر به معروف و نهی از منکر»،

به این معنی نیست که صرفاً بروی به این و آن تذکر بدهی؛

آن را که باید انجام بدهی!

مطالبه از مسئولین باید بکنی، تذکر به مردم بدهی و...؛

اما بحث، «نصرت» و «ترویج» امر به معروف و نهی از منکر است.

۶- اگر عزت می خواهیم و اگر قرآن وعده‌ی عزت به مسلمانان داده، شرطش را هم در آیات

و روایات گفته:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، «الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ  
وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» و...؛

اینها شرط این هستند که خدا ما را عزیز کند و به ما نصرت کند.

نصرت هم انواع و اقسام دارد: نصرت مادی، نصرت معنوی؛

شرط این که خدا همه جور به ما کمک کند این است که ما امر به معروف و نهی از منکر را

کمک کنیم؛ یعنی این دو واجب را احیا و ترویج کنیم.

برای احیای این دو واجب خست به خرج ندهیم؛

پول و وقت و انرژی صرف کنیم.

مهم‌ترین واجبات فراموش شده‌ی اسلام را احیا کنیم.

آن وقت خدا هم می‌گوید من هم تو را عزیز می‌کنم!

اگر این دو را ذلیل کردی من هم تو را ذلیل می‌کنم!

۷- از خودتان هر روز این سوال را پرسید که: «امروز برای تبلیغ و ترویج امر به معروف و

نهی از منکر چه کار کردم؟

من برای تبلیغ و ترویج امر به معروف و نهی از منکر چه کاری می‌توانم انجام دهم؟

این را یک جایی بنویسید بزنید جلوی چشمتان در منزل؛

هر روز این سوال را از خودتان پرسید.

بنده خودم هم یک نوشته‌ای دارم و چسبانده‌ام جلوی چشمم که هر موقع می‌بینم،

یادم می‌افتد و این سوال را از خودم می‌پرسم.

حقیر دارم زکات علمم را خدمت شما می‌دهم، نمی‌دانم شاید حقی بر گردن تان پیدا کنم؛

بنده دارم برایتان حدیث می‌خوانم، این مثلا مزد من باشد، مدیون بنده نشوید!

این پاداش عمل حقیر باشد: این سوال را هر روز از خودتان پرسید.

نصرت کنید این دو واجب را، که انشالله خدا همه‌مان را نصرت کند و عزیزمان کند.

**خدایا، ما غافل نباشیم از این روایات زیبا!**

**خدایا ما را نصرت بفرما!**

**خدا هم می گوید شرط دارد، تنها با دعا نمی شود؛**

**شرطش هم این است که امر به معروف و نهی از منکر را نصرت کنیم تا خدا در دنیا و آخرت  
نصرتمان کند.**

**یک یا علی بگوئیم و از امروز تصمیم بگیریم امر به معروف و نهی از منکر را یاری کنیم...**

حدیث: پانزدهم: افضل الأعمال

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ:

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ [وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ] أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْخَلْقِ

**\* سند روایت:**

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۵

(ظاهراً روایت در «غررالحکم» نیز نقل شده است.)

**\* شرح و ترجمه حدیث:**

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

امر به معروف [و نهی از منکر]، بهترین اعمال خلق است.

**\* نکات:**

– این روایت، جزو صریح ترین و شفاف ترین روایت ها

درباره اهمیت و جایگاه امر به معروف است؛

چرا که «بالاترین و با فضیلت ترین» اعمال «خلق» را امر به معروف و نهی از منکر – یعنی:

دعوت دیگران به خوبی ها و بازداشتن آنها از بدی ها – معرفی می کند.

چند نکته دقیق در این روایت وجود دارد:

۱. اینکه روایت می فرماید: «افضل»، این افضل با «فضیلت» نباید اشتباه شود!

بعضی ها امر به معروف را فضیلت می دانند؛

اما امر به معروف و نهی از منکر فضیلت نیست، مستحب نیست، بلکه «فریضه» است!

لذا اینجا می فرماید «افضل اعمال» (یعنی افضل فرائض) است.

یعنی: اولاً جزء «واجبات» است، و ثانیاً اشرف و افضل واجبات است.

۲. روایت می فرماید امر به معروف، افضل اعمال چه کسانی است؟؟

مؤمنین...؟! مسلمین...!؟!

خیر!

افضل اعمال «الخلق»؛

یعنی بالاترین عملی که یک «مخلوق» می تواند انجام دهد.

این مخلوق می خواهد مسیحی باشد، بی دین باشد، در یک کشور دیگر زندگی کند یا...؛

### \* پیام ها و رهنمودها:

– اصلاً امر به معروف فقط مختص مسلمین نیست!

خیلی از کشورهای دیگر مردمشان امر به معروف و نهی از منکر را در ساحت:

«حقوق شهروندی»، «بهداشت و نظافت عمومی»، «قوانین راهنمایی رانندگی»، «محیط زیست»

و... دارند انجام می دهند؛ و از من و شما دارند جلو می زنند!

این اصلش برای ماست، برای قرآن ماست، حکم ائمه ماست، دستور دین ماست؛

اما آنها دارند انجام می دهند، و سودش را هم می برند.

تذکر به مسئولین می دهند؛

در فضاهای مجازی کمپین ایجاد می کنند علیه یک مسئولی که خطایی انجام داده، او را به چالش

می کشند، روش هایش و تئوری هایش را به نقد می کشند و...؛

ولی ما نه!

نه به مردم تذکر می دهیم (مثلاً بنده خطایی می کنم، هیچ کس چیزی نمی گوید!)؛

مسئولی خطایی می کند، هیچ کس چیزی نمی گوید و...؛ انکار اصلاً بهش فکر نمی کنیم!

– این، «حق» ما و «وظیفه» ماست که به هم تذکر دهیم و از هم مطالبه کنیم!

چرا ما از: «افضل اعمال خلق»، و بالاترین و بهترین عملی که اینجا حضرت امیر می فرماید یک

بشر می تواند انجام دهد، غافلیم؟!؛

آنهايي که دنبال ثواب می گردند، بدانند که:

«مستحبات» هم ثواب دارد، «واجبات» هم ثواب دارد؛

ولی «امر به معروف» بالاترینش و پراجرتینش است...

– یک روایت دیگر هم درباره افضل اعمال داریم:

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛

این را در مجموعه بحث هایی با عنوان «ظهور و سقوط» قبلاً گفته ایم:

«نقش امر به معروف در ظهور امام زمان عیج و تعجیل ظهور» و «نقش ترک امر به معروف و بی

تفاوتی، در استحاله نظام اسلامی و استحاله باورهای مردم».

لذا این «افضل اعمال» که «انتظار الفرج» است، همان افضل اعمالی است که «امر به معروف و نهی از منکر» است!

لذا «امر به معروف و نهی از منکر»، یعنی: «انتظار واقعی فرج»!

یعنی: «بی تفاوت نبودن نسبت به گناه»،

یعنی: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»،

یعنی: «من سهم خودم را بیاورم، (اگر کافی نیست:) آن وقت خدا هم سهم خودش را می آورد».

حدیث شانزدهم: چه کسی دین ندارد؟...

علی بن النعمان عن ابن مسکان عن ابن فرقد عن ابي شيبه الزهري؛

عن معصوم عليه السلام أنه قال:

لا دين لمن لا يدين الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

**\* سند روایت:**

الزهد؛ النص؛ ص ۱۰۷

**\* شرح و ترجمه حدیث:**

معصوم علیه السلام [ظاهراً امیرالمومنین ع، در روایتی شبیه به روایتی از پیامبر ص] می فرماید:

هر کس به امر به معروف و نهی از منکر ایمان ندارد

(آن را جزوی از دینداری اش به حساب نیاورد)، دین ندارد.

**\* نکات:**

– اینکه مراجع معظم تقلید، امام راحل (ره) در تحریر الوسیله و سایر مراجع در کتب شان و در

استفتائاتشان صریحاً می گویند

کسی که عمداً امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، کافر است

(لَيْسَ مِنْ طَائِفَةِ الْمُسْلِمِينَ، خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ، هُوَ مِنَ الْكَافِرِينَ،...)

«این آدم دیگر کافر است و مسلمان نیست!»

این نوع فتاوا، از همین دست احادیثی که ذکر شد و به استناد اینها صادر و بیان شده است.

**\* پیام ها و رهنمودها:**

– حضرت امیر ع می فرمایند اگر به امر به معروف و نهی از منکر ایمان نداشته باشی

(یعنی ترکش ملازم با انکار امر به معروف و نهی از منکر باشد)، دیگر دین نداری.

حالا هی نماز بخوان، هی روزه بگیر، هی خمس بده...!

چرا که امر به معروف و نهی از منکر هم مثل نماز واجب است.

## حدیث ہمدھم: مومن بی دین مغبوض!

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع [عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ  
السَّلَام] قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ وَمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ  
الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ

[به نقلی دیگر: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ فَقَالَ هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى  
عَنِ الْمُنْكَرِ]

**\* سند روایت:**

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٥؛ ص ٥٩ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٢٢ - مرآة العقول في شرح  
أخبار آل الرسول؛ ج ١٨؛ ص ٤٠٦ - الوافي؛ ج ١٥؛ ص ١٧٦ - الحياه؛ ج ١؛ ص ٤٢١ (ترجمه)  
/ \*سند نقل دوم: معاني الأخبار؛ النص؛ ص ٣٤٤ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٩٧؛  
ص ٧٧ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٢٥ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ١٨؛  
ص ٤٠٦ - الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٥؛ ص ٥٩ - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار؛ النص؛  
ص ٢٤٨

طريق اول: (مسند / اشاره / موثق) علی بن إبراهيم [بن هاشم، امامی ثقة جلیل] عن هارون بن  
مسلم [بن سعدان، امامی ثقة جلیل و كان له مذهب في الجبر والتشبيه] عن مسعدة بن صدقة [قيل  
انه عامی بتری و فيه تامل و هو ثقة علی التحقيق] عن أبي عبد الله ع [إشارة] قال قال النبي ص

**\* شرح و ترجمه حدیث:**

پیامبر اسلام ص به روایت امام صادق ع (به نقل از پدران گرامی شان) فرمودند:

خدای بزرگ (از بعضی مؤمنین،) از مؤمن ضعیف یا سستی که دین ندارد،

خشمناک و بیزار و متنفر است.

پرسیده شد: مؤمنی که دین ندارد کدام است؟

(یعنی چه کسی، مومن مگر بی دین میشود؟ مومن ضعیف بی دین یعنی چه؟)

فرمودند: آن که نهی از منکر نمی‌کند.

### \* نکات:

۱- واژه «لُيْبِغِضُ»،

بدين معنی است که خدا «حتماً» و «قطعاً»

مومن ضعیف بی دینی را که نهی از منکر نمی‌کند،

مبغوض می‌دارد و ازش متنفر است.

۲- در برخی نسخه‌های حدیثی، به جای عبارت «لا دین له»،

عبارت «لا زبر له» آمده است

(إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ)؛

که مرحوم صدوق می‌فرماید:

«به خط برقی پیدا کردم که زبر به معنی عقل است.»

یعنی اگر با این کلام بگیریم، معنی روایت اینطور می‌شود که :

«خداوند متنفر است از مومن ضعیف بی عقل»

که طبق روایت کسی است که «لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ».

**\* پیام ها و رهنمودها:**

**۱- انسان، یا مومن است و یا بی دین!**

**و عنوان «مومن بی دین»، به نوعی پارادوکس (متناقض نما) است.**

**که توجه و سوال مخاطب را بر می انگیزاند.**

**و خود نشانه ای از اهمیت نهی از منکر در ایمان و دین داری انسان مومن است.**

**۲- هر دو وجه اشاره شده برای روایت (یعنی: «مومن بی عقل» یا «مومن بی دین») می تواند**

**صحیح باشد و قابل فهم است:**

**«مومنی که ضعیف باشد و بی دین باشد، امر به معروف و نهی از منکر نمی کند»،**

**«مومن ضعیفی هم که عقل نداشته باشد، امر به معروف و نهی از منکر نمی کند»؛**

**در واقع کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کند،**

**طبق این روایت هم می توان گفت «عقل ندارد»**

**و هم می شود گفت «دین ندارد»!**

**چرا که روش زندگی اش روش صحیحی نیست،**

**و امر به معروف و نهی از منکر در زندگی او جایگاهی ندارد.**

## حدیث ہجرت: ثواب جمع کردن عزمی!

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ  
النُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ وَمَنْ أَمَرَ  
بِسُوءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ

### \* سند روایت:

الخصال؛ ج ۱؛ ص ۱۳۸ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۷۸ - بحار الأنوار  
(ط - بیروت)؛ ج ۲؛ ص ۲۴ - روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة)؛ ج ۲؛ ص ۳۶۵

طریق اول: (مسند، تعلیق، موثق) محمد بن علی بن الحسین [تعلیق] [بن بابویه، امامی ثقه جلیل]  
فی الخصال عن محمد بن علی ماجیلویه [محمد بن علی بن ابی القاسم عبدالله بن عمران، امامی  
ثقه جلیل علی التحقیق] عن علی بن ابراهیم [بن هاشم، امامی ثقه جلیل] عن ابراهیم بن هاشم  
القمی، امامی ثقه جلیل علی التحقیق] عن النوفلی [الحسین بن یزید، امامی ثقه علی التحقیق و  
قیل غلا فی آخر عمره] عن السکونی [اسماعیل بن ابی زیاد، عامی علی المشهور و فیہ کلام ثقه  
علی التحقیق] عن ابي عبد الله ع عن آبائه ع عن علی ع قال قال رسول الله ص

### \* شرح و ترجمه حدیث:

نقل می فرمایند از امام صادق ع و ایشان از پدرانشان علیهم السلام و از امیرالمومنین ع که  
فرمودند:

رسول خدا ص فرموده است:

کسی که امر به معروفی بکند یا نهی از منگری بکند،

یا دلالت و راهنمایی کند کسی را به کار خیری،

یا اشاره به کار خیری بکند (رهنمود به کار خیری بدهد)،

او در کار خیر دیگران شریک است.

اگر کسی امر به بدی بکند،

یا دیگران را دلالت و راهنمایی به کار بدی بکند (طوری مسیر آنها را منحرف کند)،

یا اشاره به کار بدی بکند (یعنی دیگران را مسیرشان را به سمت کار بد منحرف بکند)،

باز هم: فہو شریک!

### \* پیام‌ها و رهنمودها:

– خیلی روایت زیبا و عجیبی است؛

هر دو طرف را هم دارد بیان می‌کند.

می‌خواهی شریک اعمال خوب دیگران شوی، آنها عمل انجام دهند،

شما خوابیده‌ای در خانه‌ات برای ثواب بنویسند؟

هم ثواب نماز خودت، هم ثواب نماز آنها را برای بنویسند؟

نماز خوان‌شان کن!

اگر نماز خوان است، نمازش را بیاور اول وقت!

نماز خوان اول وقت است ولی جماعت نمی‌خواند،

ترغیب و تشویقش کن به نماز اول وقت جماعت!

هر وقت او نماز جماعت بخواند، برای تو ثوابش را می‌نویسند؛

در ثواب اعمال دیگران شریکیم.

کسی هم اگر خدای ناکرده راه بد جلوی پای کسی بگذارد،

طبق این روایت در جزای گناه او شریک است.

لذا عزیزان حواستان باشد، این روایت طلایی است؛

قدر بدانیم؛

سرمایه عمرمان را هدر ندهیم؛

ببینید من سرمایه عمرم را دارم چطور استفاده می کنم!

این حدیث ها را برای شما می گویم، شما می روید به دیگران امر به معروف و نهی از منکر می

کنید، برای من هم ثواب هایش را می نویسند؛

شما هم همین طور کنید!

پر بهاترین و پر اجرتین باقیات صالحات، امر به معروف و نهی از منکر است.

این واجب را احیا کنیم، ترویج کنیم، به دیگران هم یاد بدهیم؛

مثل این شبکه های هر می (دور از جان همه مان!)،

همین طور دیگران هر چه امر به معروف و نهی از منکر می کنند،

مدام ثواب هایش را برای شما هم می نویسند؛

برای من هم بیشتر از شما می نویسند!

برای مرحوم صدوق هم بیشتر از بنده و شما می نویسند...؛

بیاید این شبکه امر به معروف و نهی از منکر را گسترش دهیم و این واجب را انشاءالله به کمک هم

زنده کنیم.

## حديث نوزدهم: مكلف يا نتيج

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِزَّافٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم / ۶)، جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَقَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُلُّتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ؛

[انتهای حدیث در برخی منابع]: تَأْمُرَهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَى اللَّهُ؛ فَإِنْ أَطَاعُوا كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْا كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ.

### \* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۵؛ ص ۶۲ - عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ ج ۳؛ ص ۱۹۱ - وسائل الشیعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۴۸ - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۸؛ ص ۴۱۰ - الوافی ج ۱۵ ص ۱۸۳ - تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)؛ ج ۶؛ ص ۱۷۸ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۹۲

طریق اول: (مسند / عادی / صحیح) عدہ من أصحابنا عن أحمد بن محمد [هذا العنوان المشترك بين احمد بن محمد بن عيسى الأشعري (امامی ثقة جلیل) و احمد بن محمد بن خالد البرقي (امامی ثقة جلیل)] عن محمد بن إسماعيل [بن بزيع، امامی ثقة جلیل] عن محمد بن عذافر [الصيرفي، امامی ثقة] عن إسحاق بن عمار [الصيرفي، امامی ثقة جلیل على التحقيق و ليس اسحاق بن عمار بمتعدد و لا فطحی] عن عبد الأعلى مولى آل سام [عبد الأعلى بن اعين مولى آل سام، امامی ثقة على التحقيق] عن أبي عبد الله ع قال

طریق دوم: (مسند / ضمير و تعليق / موثق) عدہ من أصحابنا [تعليق] عن أحمد بن محمد [ضمير] [هذا العنوان المشترك بين احمد بن محمد بن عيسى الأشعري (امامی ثقة جلیل) و احمد بن محمد بن خالد البرقي (امامی ثقة جلیل)] عن عثمان بن عيسى [الكلابي، كان غير امامی ثم صار اماميا و

الظاهر اخذا المشايخ عنه عند صحه مذهبه ثقه من اصحاب اجماع على قول [ عن سماعه [بن مهران،  
ثقه جليل و نسبتہ الی الوقف غیر صحیح] عن أبي بصير [يحيى ابوبصير الاسدي، امامی ثقه جليل من  
اصحاب الاجماع و ليس بواقفي] في قول الله عز و جل قوا أنفسكم و أهليكم نارا قلت كيف أقيهم  
قاله ع

### \* شرح و ترجمه حدیث:

امام صادق علیه السلام (ذیل تفسیر آیه ششم از سوره تحریم) فرمودند:

وقتی که این آیه ی:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ و أَهْلِيكُمْ نَاراً و قَوْدهَا النَّاسُ و الْحِجَارَةُ :

ای کسانی که ایمان آورده اید مراقبت کنید خودتان و اهل تان (کسان تان) را از آتش جهنم،  
آتشی (شدید) که هیزم هایش (سوختن)، مردم و سنگ ها هستند؛

(خودتان را بپایید، مراقبت کنید! اطرافیان تان را هم مراقبت کنید از یک آتش مهیب  
و حشتناک...))

در زمان پیامبر (ص) نازل شد،

(دیدند) یک مردی از مسلمین نشست گوشه ای و شروع کرد گریه کردن (و بر سر زدن)؛

گفت: من در اصلاح خودم مانده بودم،

(خودم را نمی توانستم اصلاح کنم، مانده بودم خودم را چطور مراقبت کنم؟!)

حالا قرار شد مکلف شوم که اهل و عیالم را هم مواظبت کنم (چه کار کنم؟!)

پیامبر (ص) به او (دلداری داد و) فرمود:

«کافی است بر تو همین وظیفه که به آنها امر کنی هر چیزی که خودت را به آن کار امر می کنی؛

و آنها را نهی کنی از هر چه که خودت را نهی می کنی از آن؛  
اگر از تو پذیرفتند و اطاعت کردند در این امر و نهی های الهی که بهشان تذکر دادی،  
که (خوب الحمدلله، فیها المراد...) )  
آنها را محافظت کرده ای، نجات شان داده ای.  
و اگر از تو نپذیرفتند و عصیان کردند (حرفت را گوش نکردند و اطاعت نکردند)،  
تو آن چه به گردنت بوده به جا آورده ای، (وظیفه ای که به گردنت بوده را انجام داده ای).

#### \* نکات:

– این حدیث، روایت تفسیری است از نبی مکرم اسلام (ص) که امام صادق (ع)،  
در مورد آیه ۶ سوره مبارکه تحریم، از ایشان نقل کرده اند.

#### \* پیام ها و رهنمودها:

۱– یکی از بحث های مهم و مفصلی که در امر به معروف و نهی از منکر داریم بحث امر به  
معروف و نهی از منکر در خانواده و بستگان است.  
وظیفه ما در «امر به معروف و نهی از منکر»،  
نسبت به خانواده سنگین تر است (یعنی هم خودمان، و هم اطرافیان...);  
ولی این بدان معنی هم نیست که فقط به خانواده بچسبیم و بقیه را رها کنیم!  
اینکه تاکید شده بر خانواده،  
به معنی آن است که انسان دقت بیشتر،

اهمیت و اهتمام بیشتر، تفکر بیشتر،

برنامه ریزی و روش های بیشتر،

تمرکز و وقت بیشتر را برای هدایت خانواده اش بگذارد؛

نه اینکه حالا خانواده را بچسبیم بقیه را رها کنیم،

«اولویت» به این معنی نیست.

۲- بعضی ها می گویند امر به معروف را باید از خانواده شروع کرد،

و بعد هم سریع ازش نتیجه می گیرند که یعنی به خانواده تذکر بدهیم و به بقیه بی تفاوت باشیم؛

نسبت به مسئولان بی تفاوت باشیم، نسبت به کوچه و خیابان، فامیل، غریبه ها، هم اداره ای ها، هم دانشگاهی ها، هم مدرسه ای ها ...،

به همه اینها بی تفاوت باشیم (اینها احتمالاً چون می دانند که خانواده خیلی فحش نمی دهند و در خیابان بیشتر ممکنست فحش بخورند، می خواهند بقیه را بیچانند...!)!

در حالی که نظر اسلام این نیست.

نظر اسلام این است که هم زمان که با دقت بیشتر به خانواده می پردازیم، نسبت به همه حساس باشی و احساس مسئولیت کنی.

اما نسبت به خانواده تأکید بیشتری شده است.

۳- خیلی ها می پرسند که چطوری خانواده و فرزندان مان را از انحرافات حفظ کنیم؟

کافی است که هم خودمان را مراقبت کنیم،

و هم به طور مرتب با «شیوه‌ها و روش‌های مختلف،

و با کمک افراد مختلف»،

اهل بیت و کسانمان را امر کنیم به آن چیزهایی که خدا امر کرده،

و دائم آن‌ها را نهی کنیم از آن چیزهایی که خدا نهی کرده است؛

بی تفاوت نباش که بگویی حالا بچه است و بزرگ می‌شود!

خیر اگر ولش کنی، فقط هیکلش بزرگ می‌شود!

حالا اگر اطاعت کردند که از آن‌ها مراقبت کرده‌ای (وظیفه‌ات را انجام داده‌ای)،

اگر هم عصیان کردند و حرفت را گوش نکردند و محل ندادند آن‌چه که به گردنت بوده را انجام داده‌ای.

البته اینجا یک نکته مهم این است که:

نباید همه اش هم (به اصطلاح:) به بچه‌ها گیر داد و بکن و نکن کرد!

منظور این نیست که مدام امر و نهی‌شان کنیم،

بلکه باید با روش‌های مختلف (گاهی با هدیه دادن، گاهی با لبخند زدن،

گاهی با حذف ابزار گناه، گاهی با فضا سازی های مختلف، گاهی با واسطه‌تراشی،... و

هزار و یک روش دیگری که در بحث های امر به معروف و نهی از منکر هست) اقدام کنیم.

۴- طبق برخی روایات، یکی از هدف‌ها و فلسفه‌های نهی از منکر این است که «اتمام

حجت» انجام گیرد؛

لذا به تصریح حضرت رسول (ص) در این حدیث،

حتی اگر مخاطب امر به معروف یا نهی از منکر ما،

تذکر را از ما نپذیرفت،

حداقل ما ادای تکلیف و اتمام حجت با گناهکار کرده ایم.

لذا طبق این روایت، آنچه در انجام دو فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر،

نزد خداوند در درجه اول اهمیت دارد،

نفس «ادای تکلیف» ماست، و نه «نتیجه» ی اقدام مان.

و البته این بدین معنی هم نیست که یک بار تذکر کافیت؛

اگر «شرایط وجوب» امر به معروف و نهی از منکر باشد،

در صورت تکرار گناه، باز هم انسان باید تذکر را تکرار کند؛

چه نسبت به خانواده و چه دیگران.

خداوند انشاءالله همه ما را موفق کند نسبت به خانواده مان،

و خانواده هایمان نسبت به ما،

امر به معروف و نهی از منکر را انجام بدهیم.

حديث بستم: «بها تمام الفرائض»...!

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بَشْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عِصْمَةَ قَاضِي مَرَوْ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُتَّبَعُ (يُنْبَعُ) فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَقَرَّوْنَ وَ يَنْتَسِكُونَ حَدَثَاءَ سُفْهَاءٍ لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لِنَفْسِهِمُ الرُّخْصَ وَالْمَعَاذِيرَ؛ ... يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَمَا لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَلَا مَالٍ، وَلَا أُضْرَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَبْدَانِهِمْ لِرَفْضِهَا كَمَا رَفَضُوا أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَأَشْرَفَهَا. إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ.

هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفُجَّارِ وَالصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ؛

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جِ الصَّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَطَالِمُ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ الْأَعْدَاءُ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَانْكُرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُوا بِالنَّسْتِكُمْ وَ صَكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَأَنْتُمْ فَإِنْ أَنْعَطُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ إِلَّا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أَوْلَيْكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (الشورى ، ٤٢) هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ أَنْعِضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مُرِيدِينَ بِالظُّلْمِ ظَفْرًا حَتَّى يَقْبَلُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْنُوا عَلَى طَاعَتِهِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ شُعَيْبُ النَّبِيِّ ع إِنِّي لَمُعَذَّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةً أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنَّهُمْ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغُضُّوا لِعُصْبِي

\* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٥؛ ص ٥٥ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١١٩ - الوافي؛ ج ١٥؛ ص ١٦٩ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ١٨؛ ص ٣٩٩ - تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)؛

ج ۶؛ ص ۱۸۰ - مجموعه ورام؛ ج ۲؛ ص ۱۲۵ - عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛  
ج ۳؛ ص ۱۸۸ - فروع کافی؛ ج ۴؛ ص ۵۵ - منتخب میزان الحکمه؛ بخش ۳۶  
طریق اول: (مرسل / عادی) أحمد بن محمد بن خالد [البرقی، امامی ثقة جلیل] عن بعض أصحابنا  
عن بشیر بن عبد الله عن أبي عصمه قاضي مرو [نوح بن ابی مریم الجامع] عن جابر [بن یزید  
الجعفی] عن أبي جعفر ع قال

### \* شرح و ترجمه حدیث:

امام باقر علیه السلام فرمودند:  
در آخر الزمان، قومی پیدا می شوند که بخشی از آنها ریاکار هستند،  
(یا یک عده انسان های ریاکاری پیدا می شوند)،  
که تبعیت هم می شوند (یَتَّبِعُ)،  
و دائماً قرآن می خوانند (دعا می خوانند و خشک مقدس بازی در می آورند و در حال عبادت  
خودشان را جلوه می دهند!)  
و اظهار مقدس مآبی می کنند (یَتَسَكَّنُونَ)؛  
که اینها یک عده احمق تازه به دوران رسیده (حُدَنَاءُ سَفَهَاء) هستند!  
(کسانی که دائم در حال قرآن خواندن هستند، نماز می خوانند، روزه هم می گیرند؛  
-ادامه حدیث هم می فرماید همه واجبات را انجام می دهند...-)  
اما چرا احمق اند؟  
چرا سفیه اند؟  
چرا تازه به دوران رسیده اند؟!  
چرا حضرت باقر (ع) این قدر از دست اینها ناراحت است...؟؟  
مگر نماز خوان احمق می شود؟!  
علت این حماقت چیست؟؟  
علت این است:،  
هیچ امر به معروف و هیچ نهی از منکری را واجب نمی دانند  
(به عنوان یک واجب به رسمیت نمی شناسند و انجام نمی دهند:

لا یوجبونَ امرًا بمعروفٍ و لا نهیاً عن منکر)،

مگر اینکه خیال شان تخت شود که هیچ ضرری برایشان ندارد!

(این احمق هایی که مدام قرآن می خوانند و نماز می خوانند و...،

فکر می کنند امر به معروف و نهی از منکر فقط وقتی واجب است که هیچ ضرری برایشان نداشته باشد)؛

و دائم برای خودشان یک عذر، بهانه و راه فرار (از انجام امر به معروف و نهی از منکر) طلب می

کنند و جستجو می کنند (دائم دنبال پیمانیدن امر به معروف هستند!

یک بهانه ای جور کنند که بگویند:

آقا نمی شود! فایده ندارد! اثر ندارد! سخت است...: یَطْلُبُونَ لِنَفْسِهِمُ الرِّخْصَ وَ الْمَعَاذِيرَ)...

اینها (این احمق هایی که قرآن هم می خوانند، تازه به دوران رسیده و نادان هم هستند)،

دائم در حال نماز و روزه هستند (فکر نکنید آدم های بی دینی هستند که امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند!)

و دنبال آن عبادت هایی هستند که سختی برای جان و مال شان (یا آبرویشان و...) نداشته باشد؛

(اینها دائم برای خودشان راه فرار از امر به معروف و نهی از منکر جور می کنند و بهانه پیدا می

کنند، تا جایی که:)

اگر (بدانند ممکنست) کوچک ترین ضرری برایشان داشته باشد، نماز و واجبات دیگر را هم رها می کنند!

همان گونه که عالی ترین و شریف ترین واجب اسلام (أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفَهَا) را رها کردند؛

(آن عالی ترین و شریف ترین واجب اسلام کدام است؟؟)

حضرت می فرماید: إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ...):

«امر به معروف و نهی از منکر»، که واجب بزرگی است که همه واجبات دیگر با آن اقامه و زنده می شوند.

در چنین زمانی است که عذاب خدا بر آنها تمام می شود و خدا این ها را عقاب و هلاک می کند؛

(عمومی هم عقاب می کند: فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ؛

خدا «همه» شان را به عقاب خودش می گیرد و هلاک شان می کند).

و اگر این طور شد، آن وقت «يُهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفَجَارِ»:

ابرار هم در سرای فاجران هلاک می شوند (در بین بدها، خوب ها هم هلاک می شوند)،  
«و الصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ»: و کوچک ها با بزرگ ها؛ (می سوزند).

(از اینجا روایت وارد فاز دوش می شود؛

انگار روایت جدیدی است؛ امام باقر (ع) می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران است، شیوه و سیره صالحان است؛  
واجب بزرگی است که همه خوبی ها و واجبات دیگر به واسطه زنده شدن این، زنده می شوند؛  
(بها تقام الفرائض؛

دوباره مساجد پر می شود، دوباره ازدواج ها آسان می شود، دوباره غیبت و تهمت و دروغ کم می  
شود، دوباره چشم چرانی و بدحجابی کم می شود، دوباره رشوه و ربا و احتکار و رانت و اختلاس  
کم می شود.

البته یک دقیقه ای اتفاق نمی افتد!

یک عمر امر به معروف و نهی از منکر نکرده ایم!

تخم مرغ دزدها را رها کردیم شدند شتر دزد،

حالا فکر می کنیم با دو روز و یک سال امر به معروف و نهی از منکر کردن درست می شود همه  
چیز؟!؛

خیر، زمان می برد؛

البته نصرت خدا هست و درست می شود؛

منتها از ما حرکت از خدا برکت...).

و «تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ»:

راه ها امن می شود؛

(هم راه های جاده ای امن می شود: راهزن کم می شود، دزد کم می شود؛

چون خمس دهنده زیاد می شود، زکات دهنده، صدقه دهنده زیاد می شود، خیرات دهنده زیاد

می شود و دیگر دزد نمی رود دزدی کند؛

وقتی کار حلال باشد می رود کار کند.

و منظور فقط راه های زمینی هم نیست، «طرق الی الله» هم امن می شود:

راه رفتن به سمت خدا، سلوک هم راهش امن می شود و باز می شود؛

دیگر از خانه می آیی بیرون در خیابان چشمت به صحنه های حرام نمی افتد، فضا مدام امن می شود برای سالک الی الله).

و «تَحِلُّ الْمَكَّاسِبُ»:

کسب ها حلال می شود (گران فروشی کم می شود، کم فروشی کم می شود و...).

و «تُرَدُّ الْمَظَالِمُ»:

رد مظالم انجام می شود (مظالم بر می گردد به آن کسانی که باید برگردد).

و «تُعْمَرُ الْأَرْضُ»:

زمین آباد می شود.

و «يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ»:

از دشمن انتقام گرفته می شود (می توانید انتقام بگیرید، با امر به معروف و نهی از منکر)؛ ...

### \* نکات:

– این حدیث، که روایت طولانی و البته بسیار مهمی است، در برخی منابع بطور کامل تر و در برخی بطور مجمل آمده است.

در ادامه حدیث، مجدداً نکات مهمی در باب امر به معروف و نهی از منکر از زبان امام باقر علیه

السلام وجود دارد، که تنها به نقل متن عربی آن بسنده می کنیم:

وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ... فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفِطْرَةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ صَكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً  
لَأَنَّهُمْ فَإِنْ أَنْعَضُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ – إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ  
فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ هُنَالِكَ فَجَاهِدُواهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ أَبْغِضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ  
طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مُرِيدِينَ بِظُلْمٍ ظَفَرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْنُضُوا عَلَى طَاعَتِهِ  
قَالَ وَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ ص أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ  
شِرَارِهِمْ وَ سَتِينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ ع يَا رَبِّ هُوَ لَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ  
إِلَيْهِ دَاهُنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَعْضَبُوا لِعَضْبِي.

– این روایت در باب امر به معروف و نهی از منکر در «آخر الزمان» است؛

اینکه بعضی تفکرات سکولار و لائیک می آیند در این فضا مانور می دهند که آخرالزمان در روایات آمده نباید امر به معروف کرد، این که حرف غلطی است؛ تکلیف همیشه تکلیف است و واجب است. بعضی هایشان هم یک کم ظریف تر می گویند، می گویند: در آخرالزمان و نزدیک آمدن امام زمان عج یکی از ویژگی ها این است که مردم امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند، و با این ذهنیت شروع می کنند ذهن مردم را سوق دادن به این سمت که دیگر امر به معروف و نهی از منکر نباید کرد؛ چون آخرالزمان است و در روایات آمده در آخرالزمان کسی امر به معروف و نهی از منکر نمی کند!

ضمیر ناخود آگاه ما هم که این را می شنود، - چون ساده است - باور می کند که دیگر نباید امر به معروف کرد؛ گناه دارد زیاد می شود، زمینه ظهور حضرت هم فراهم می شود!! در صورتی که روایات ما این را نمی گوید؛ روایات می گوید آخرالزمان شاید قهراً به این سمت و سو خواهد رفت؛ اما هشدار می دهد که مواظب باشیم ما جزو کسانی نباشیم که در آخرالزمان امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند. نه این که: خب حالا که دیگر قهراً امر به معروف نخواهد شد، ما هم نباید امر به معروف و نهی از منکر بکنیم!

- این روایت در کتاب «امر به معروف و نهی از منکر» از مجموعه آثار استاد شهید مطهری (ص ۲۵ یا ۲۶) نیز بیان شده.

که البته علامه مطهری در آنجا «سفیه» را ترجمه به نادان کرده اند، لکن به نظر می رسد به جهت حفظ امانت در ترجمه (که باید آن شدت و غلظت بیان معصوم ع - که در فحوای این روایت مشهود است - حفظ شود)، عبارت «احمق» گویاتر باشد.

لذا اینکه در ترجمه آورده‌ایم:

«یک عده احمق تازه به دوران رسیده که هی قرآن میخوانند»،

دقیقاً منطبق بر متن روایت است.

– در کتاب وسائل الشیعه مرحوم شیخ حرّ عاملی، ذیل این حدیث یک پاورقی نوشته است در باب اینکه بالاخره حد و مرز این ضررهای لازم به تحمل انجام امر به معروف و نهی از منکر کجاست؟  
چقدر ضرر را باید تحمل کرد؟

چقدر ضرر داشت دیگر نباید تذکر بدهیم؟!

مرحوم شیخ حرّ عاملی می نویسد:

«أقول (نظر من این است، با توجه به این حدیث استنباط می کنم که:)

الضَّرُّ هُنَا مَحْمُولٌ عَلَى فَوَاتِ النَّفْعِ وَ يُمَكِّنُ حَمْلَهُ عَلَى وَجوبِ تَحْمَلِ الضَّرْرِ الْيَسِيرِ  
(برداشت من از این روایت این است که ضررهای کم و آسان را باید تحمل کرد؛

ظاهراً واجب است تحمل کنیم ضررهای یسیر را)،

وَ عَلَى اسْتِحْبَابِ تَحْمَلِ الضَّرْرِ الْعَظِيمِ

(حتی برداشت من این است که شاید ضررهای بزرگ هم تحملش مستحب باشد)؛

یعنی: جایی اگر دیدی امر به معروف و نهی از منکر کنی ضررش خیلی کم است واجب است که امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهی.

اما اگر دیدی ضررش زیاد است اما امر به معروف و نهی از منکر لازم است،

اینجا هم ظاهراً مستحب است که باز هم امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهی.

علی ای حال این را می شود نتیجه گرفت که مراجع معظم تقلید ما هم این را می گویند که:

✓ اگر گناه، گناه بزرگ است و ضرر تذکرت کوچک است، واجب است تذکر بدهی (هر ضرری رافع تکلیف نیست).

✓ یا اگر گناه، گناه بزرگ است، خطر هم دارد و یک خورده ضررش هم زیاد است، اینجا هم باز رافع تکلیف تذکر نیست و باید تذکر را با احتیاط، با آداب و شرایطش انجام بدهیم.

## \* پیام ها و رهنمودها:

— منظور و رهنمود کلی روایت به ما این است که:  
امر به معروف و نهی از منکر این همه فواید و برکات دارد.  
اما متأسفانه شاهدیم یک عده کسانی که با قرآن و نماز و... مانوس هم هستند،  
از امر به معروف و نهی از منکر غافلند که باید فکری به حال خود و این روایت کنند.

— چنانکه در شرح و ترجمه حدیث دیدیم،  
این روایت نکات و پیام های فراوانی برای مومنین و پیروان راستین اسلام — که نمی خواهند نسبت  
به یکی از مهمترین واجبات دنیایی شان  
(یعنی امر به معروف و نهی از منکر)  
بی تفاوت باشند — به همراه دارد که بحث درباره آنها مفصل است؛  
لذا در این بخش، تنها چند مورد از عبارات مهم رهنموددار حدیث را به اجمال مرور می کنیم:

### ✓ **إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ:**

این «احمق های تازه به دوران رسیده»، عبادات و احکام و تکالیف شرعی را تنها تا وقتی به  
رسمیت می شناسند که یک «به تو چه» هم نشنوند!  
آن وقت برای امام حسین ع گریه هم می کنند؛  
که ایشان این همه هزینه داد برای امر به معروف؛  
ضررها و آسیب ها خورد؛ جانی، مالی، آبرویی و...  
ولی اینها تا وقتی مطمئن نشوند که یک به تو چه هم نمی شنوند تذکر نمی دهند.  
در حالی که در بحث احکام و «شرایط وجوب» امر به معروف و نهی از منکر، می دانیم که از  
نگاه مراجع تقلید، وقتی گناه بزرگ است، یک سری ضررها و خطرهای کوچکی را که ضررش  
کم است، باید انسان تحمل کند؛  
عیب ندارد حالا یک فحش هم شما بخورید؛  
حالا نهایتاً شاید یک چک هم خوردیم!

شاید یک لامپ در خانه مان را هم شکستند...!  
لذا به نسبت آن گناه (که چقدر بزرگ است)، انسان واجب است یک جاهایی ضررهای کوچک  
تر را تحمل کند، نه اینکه حتما ایمن از ضرر باشد!  
شرط ایمنی از ضرر، مطلق نیست.  
قرار نیست حسین حسین بگوئیم ولی حسینی نباشیم.  
حسینی بودن یعنی آمر به معروف و ناهی از منکر بودن.

✓ لَوْ أَضْرَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَبْدَانِهِمْ لَرَفَعْنَا:  
حضرت باقر ع میفرماید، این آدم احمق هایی که دینشان فقط روخوانی قرآن شده،  
دینشان فقط شده اعمال مستحب،  
دینشان شده واجباتی که هیچ خطری برایشان ندارد،  
یک به تو چه هم نمی خواهند بشنوند (اسلام شان اسلام سکولار و اسلام بی تفاوت شده)،  
اینها یک روز نماز را هم کنار می گذارند و استحاله می شوند...!  
وقتی کسی امر به معروف و نهی از منکر نکند،  
در قبال گناه عکس العمل نشان ندهد،  
کم کم گناه برایش عادی می شود،  
و باورهای خودش هم عوض می شود.

یک روز خودش هم نماز را کنار می گذارد:  
اول سست می شود، از جماعت می زند به فرادی، از اول وقت می زند به آخر وقت؛  
بعد یکی در میان می شود، بعد کلا نماز را می گذارد کنار!  
حضرت باقر ع قول دارد می دهد، تاکید می کند که:  
«لَرَفَعْنَا»:  
حتما همه نماز خوانها یک روز نماز را کنار می گذارند؛  
همه محجبه ها یک روز حجاب را می گذارند کنار؛

همه کسانی که روزه می گیرند یک روز روزه خواری علنی می کنند و روزه گرفتن را مسخره می کنند!

اَلَّا كَسَانِي كِه اَمْر بِه مَعْرُوف وَ نَهِي اَز مَنكَر مِي كَنند؛  
خودشان محکم می مانند، گناه برایشان عادی نمی شود.  
بعد حضرت می فرماید اینها شریف ترین واجب خدا - یعنی امر به معروف و نهی از منکر را -  
گذاشته اند کنار، معلوم است نماز را هم کنار می گذارند!

✓ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ:

حضرت می فرماید: إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ: «بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ»؛

این سه کلمه خیلی مهم است،

دقت کنید: «با» امر به معروف و نهی از منکر «اقامه می شود» (زنده می شود)،

«همه واجبات دیگر».

بنده گاهی با این تعبیر می گویم: امر به معروف و نهی از منکر «مادر واجبات» است؛

«مادر همه خوبی ها» است.

یعنی اگر این زنده شود، همه خوبی های دیگر زنده می شود.

نروید وقت و عمر و زندگیتان را بگذارید روی ترویج نماز، ترویج حجاب، آموزش روخوانی

قرآن، تاسیسی موسسه ای برای یک کار خوب؛

اینها خوب است، عیب ندارد؛

ولی برو برای امر به معروف و نهی از منکر وقت بگذار، سرمایه بگذار، فکر بگذار، آن را زنده

کن؛

آن وقت همه ی مسلمان ها نسبت به آموزش روخوانی قرآن به دیگران احساس مسئولیت می

کنند!

نسبت به ازدواج دیگران احساس مسئولیت می کنند!

نسبت به نماز خوان کردن دیگران، باحجاب کردن دیگران، نسبت به همه چیز احساس

مسئولیت می کنند!

یعنی نرم افزار امر به معروف و نهی از منکر وقتی روی کسی نصب شود، این دیگر فقط نسبت به یک واجب یا یک حرام عکس العمل نشان نمی دهد...؛  
میلیون ها گلوبول سفید در این جامعه منتشر می شود؛  
لذا حواس تان باشد (آنهايي که کار فرهنگی، آموزشی، تربیتی، قرآنی، مذهبی می کنند...)

گاهی وقت ها شیطان ما را از یک عبادت بالاتری به یک عبادت پایین تر دعوت می کند:  
«ولش کن، نمی خواهد امر به معروف و نهی از منکر را ترویج کنی؛  
بیا یک موسسه بزن نماز را ترویج کن!  
حجاب را ترویج کن!  
با ربا مبارزه کن! و...».

در مورد همه ی مصادیق گناه، در مبارزه اش باید امر به معروف و نهی از منکر را به کار ببریم؛  
با «امر به معروف و نهی از منکر همگانی» همه خوبی ها زنده می شود.  
یعنی همه بدی ها هم زمین گیر می شود؛  
ترک حرام مگر واجب نیست؟  
ترک حرام هم اگر می خواهی اتفاق بیفتد، باید همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.

✓ **فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ :**

خدا «همه» شان را به عقاب خودش می گیرد و هلاک شان می کند؛ عمومی عقاب می کند.  
بخشید مگر تر و خشک باید با هم بسوزند!!!  
نه، ولی شما که گناهکاری، خشکی و می سوزی؛  
و شما هم که مومن هستی، و مثلاً در این ضرب المثل تری، چون به خشکی خشک ها راضی هستی، پس آن می سوزد، شما هم می سوزی!  
آن خوب هایی نمی سوزند که به خشکی خشک ها، به گناه گناهکاران، راضی نیستند و این ناراضی را ابراز می کنند، اظهار میکنند؛  
نمی ترسند،

آداب و شرایط و مراحلش را یاد می گیرند و انجام می دهند.

پس به این معنا می شود گفت طبق این ضرب المثل، اگر تر می خواهید نسوزد، باید جلوی سوختن خشک را بگیرد تا نوبت خودش نرسد!

اگر تر باشی نمی سوزی، ولی اگر تری باشی که با این خشک همنشین شدی و جلوی سوختن او را هم نمی گیری، از حرارت سوختن آن خشک، توی تر هم کم کم به تدریج خشک می شوی و بعد نوبت سوختن تو هم می رسد.

تو هم به آتش آن خشک می سوزی، مگر اینکه دست پیش بگیری که پس نیفتی، نگذاری آن خشک بسوزد.

اگر او را از سوختن نجات بدهی دیگر نوبت خودت نمی رسد؛ خودت هم تر می مانی و نمی سوزی.

✓ يُتَّصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ :

شهید مطهری مستند به این بخش روایت که امام باقر ع می فرماید:

«يُتَّصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ»،

یک جمله قشنگی دارد: اگر می خواهی از اسرائیل انتقام بگیری، اسرائیل را زمین گیر کنی،

باید امر به معروف و نهی از منکر را ترویج و احیاء کنی؛

با امر به معروف و نهی از منکر می شود پدر دشمن را در آورد!

چطور؟!

یک نکته کوچکی که به ذهن حقیر می رسد این است:

شما وقتی ساختار درونی ات محکم باشد،

وقتی خیالت از پشت جبهه راحت باشد،

دشمن نتواند نفوذ کند،

باورها عوض نشود،

همه مردم مواظبند باورهای همدیگر عوض نشود،

همه مواظب باورهای همدیگر هستند،

هر کس یک ذره می خواهد مأیوس شود بهش روحیه می دهند،

هر کس می خواهد چپ برود نجاش می دهند،

**آن وقت با خیال راحت می توانی فکرت را معطوف بیرون کشور و بیرون جبهه کنی؛**

**حالا دشمن را چطور شکست دهی؟**

**حالا چطور اسلام را ترویج کنی در دنیا؟**

**وامثال اینها...؛**

**لذا امر به معروف و نهی از منکر باعث می شود داخل محکم شود،**

**همه می شوند گلبول های سفید!**

## حدیث بیست ویکم: خصال سے گزری آمروناہی

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

قَالَ الصَّادِقُ ع :

إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: (١) عَامِلٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَتَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ، (٢) عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى، (٣) رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى

### \* سند روایت:

بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٩٧؛ ص ٩١ - روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة)؛ ج ٢؛ ص ٣٦٥ - بحار الانوار؛ ج ٧٥؛ ص ٢٤٠ - تحف العقول؛ النص؛ ص ٣٥٩ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١٣٠ و ١٥٠ / \* الخصال؛ ج ١؛ ص ١٠٩ - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار؛ النص؛ ص ٤٨ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ١٢؛ ص ١٨٧

طريق اول: (مرفوع، عادي، ضعيف) محمد بن علي بن الحسين [بن بابويه، امامي ثقة جليل] في الخصال عن محمد بن الحسن [بن احمد بن وليد، امامي ثقة جليل] عن محمد بن يحيى [العطار، امامي ثقة جليل] عن محمد بن أحمد [بن يحيى بن عمران الاشعري، امامي ثقة جليل] عن يعقوب بن يزيد [الانباري، امامي ثقة جليل] عن محمد بن أبي عمير [محمد بن ابى عمير زياد، امامي ثقة جليل من اصحاب الاجماع لا يروى ولا يرسل الا عن ثقته] رفعه إلى أبي عبد الله ع قال

**\* شرح و ترجمه حدیث:**

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی امر به معروف و نهی از منکر می کند که سه ویژگی داشته باشد:

**(۱) به آنچه بدان امر می کند و یا از آن نهی می کند، عامل باشد؛**

**«عَامِلٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَ تَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ»:**

(عامل بودن یک توصیه اخلاقی است، نه فقهی؛

خود امام صادق علیه السلام و سایر ائمه معصومین ع، بارها تأکید کرده اند که اگر عامل به یک

معروفی هم نیستید، امر به آن معروف واجب است؛

و باید انجام بدهید و تذکر بدهید.

اگر خودتان هم یک منکری را ترک نکردید باز می بینید یک کسی دارد انجامش می دهد، واجب

است که او را نهی کنید؛

هر چند که در این صورت، تأثیر کلام پایین می آید. لذا حضرت می فرمایند بهتر است که خوت

عامل آن معروف یا تارک آن منکر باشی...)

**(۲) در امر کردن و نهی کردنش، رعایت عدل و انصاف بکند؛ «عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى»:**

(در آن امر و نهی که می خواهی بکنی، عدالت و اعتدال و اقتصاد و حد وسط و میانه را رعایت

کنی و از افراط و تفریط پرهیز کننده باشی.

نه آن قدری که خیلی تند بگویی، نه آن قدری که خیلی ملایم و ذلیلانه بگویی!

نه به آن شوری و شوری که با یک اخم آنچنانی تذکر می دهی، نه آن قدرها هم نرم و ملایم...!  
نه آن قدر بلند داد بزن که همه بشنوند و آبرویش برود، نه آن قدر یواش بگو که خودش هم  
نشود! اعتدال و میانه روی داشته باشیم در امر به معروف و نهی از منکر...

**(۳) در امر کردن و نهی کردنش، رفق و مدارا و محبت و دوستی داشته باشد؛ «رَفِیقٌ فِیْمَا یَأْمُرُ  
رَفِیقٌ فِیْمَا یَنْهَی»:**

(افضل و بهتر و خوب است که با رفاقت امر به معروف و نهی از منکر کنیم؛

حالا یا رفیق بشویم با او یا نه (چون با همه که نمی شود رفیق شد...))،

ولی در امر به معروف و نهی از منکرمان رفق و مدارا داشته باشیم!

ملایمت، نرمی، مهربانی، با رفاقت...؛

فکر کن که واقعاً رفیقت است که داری به او امر به معروف و نهی از منکر می کنی.

مگر «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» نیستیم ما؟!!

مگر «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» نیستیم ما؟!!

پس باید طوری تذکر بدهیم که انگار، طرف مقابل واقعاً رفیق است؛

برادر دینی ام است، خواهر دینی ام است. با رفاقت تذکر دهیم!

البته این ها در مقام حرف آسان است که بگوییم؛

در مقام عمل، یک وقتی شاید یک تندی هم به انسان بشود، یک به تو چه ای هم شاید به او بگویند،

آن جا باید خود را کنترل کند و بگوید:

خوب رفیقم است! داداشم است، خواهرم است که گفته به تو چه!

عصبانی نشود؛ تذکرش را بدهد، حتی فحشش را هم یک وقت بشنود، و راهش را بکشد و برود؛  
عیب ندارد. در دلش هم استغفار کند...

### \* نکات:

– چنان که در متن عربی حدیث اشاره شده، برخی منابع حدیثی ذکر شده، عین همین روایت را با عبارت «عَالِمٌ لِّمَا» (آگاه بودن به معروف و منکر)، و برخی دیگر با عبارت «عَامِلٌ بِمَا» (بحث عامل بودن امر و ناهی) نقل کرده اند. و برخی هم به طور جداگانه هر دو روایت را آورده اند.

– روایت مشابه دیگری نیز در منابع موجود است که تقریباً همین حدیث است، ولی از وجود مبارک رسول خدا ص نقل شده؛ که در آن به جای ویژگی «عامل بودن»، به بحث «عالم بودن» تاکید شده:

«نَوَادِرُ الرَّأْوَنَدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص :

لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ:

(۱) رَفِيقٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى عَنْهُ

(۲) عَدْلٌ فِيمَا يَأْمُرُ بِهِ عَدْلٌ فِيمَا يَنْهَى عَنْهُ

(۳) عَالِمٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ عَالِمٌ بِمَا يَنْهَى عَنْهُ» (بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۸۷).

### **\* پیام ها و رهنمودها:**

— حتماً تا علم به معروف و منکر و وقوع آن نداریم، نباید امر به معروف یا نهی از منکر کنیم.

اما سعی کنیم که خودمان عامل باشیم (هر چند که غیر عامل هم باید تذکر بدهد)؛

سعی کنیم عدالت، اعتدال و حد وسط را در امر به معروف و نهی از منکر رعایت کنیم؛

و سعی کنیم که با رفاقت و رفق و مدارا امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

اینها سه توصیه حضرت صادق علیه السلام و حضرت رسول صلوات الله علیه و آله است که می فرمایند کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند این سه ویژگی را داشته باشد.

البته منظور حضرت این نیست که تا این سه ویژگی را نداری، میتوانی امر به معروف نکنی!

خیر، این برداشت کاملاً غلط است؛

طرف می گوید: خوب! ما که اعتدال و رفق و عامل بودن و اینها را نمی توانیم رعایت کنیم، پس ولش کن...، اصلاً امر به معروف نکنیم!

این مثل این است که معصوم ع می فرماید

«کسی که نماز می خواند باید حضور قلب در نماز داشته باشد»

بعد کسی بگوید: من که خیلی حضور قلب نمی توانم در نماز داشته باشم، پس نماز نخوانم؟!!

نخیر!

باید نماز را بخوانی؛ اما سعی کن در این نمازی که می خوانی حضور قلب هم داشته باشی.

پس امر به معروف متوقف به این ها نیست؛

این ها (غیر از «عالم بودن»)، جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست؛

نه عامل بودن، نه عادل بودن و اعتدال داشتن، و نه رفق و مدارا.

– امر به معروف متوقف بر «مطمئن بودن ما از گناه بودن آن عمل» هست؛

اما آن پنج نای دیگر (که دو به دو تکراری بود) شرط وجوب نیستند!

عادل بودن، رفاقت داشتن، ملایمت، اعتدال داشتن؛

این ها خوب است، حُسن است، فضل است؛ ولی شرط وجوب نیست.

اما اینکه مطمئن از گناه بشویم، بعد تذکر بدهیم، بله این شرط وجوب است.

تا مطمئن نشدیم تذکر نمی دهیم.

البته آن موارد دیگر – آن سه مورد یا پنج مورد که عرض کردیم – آن ها به عنوان «شرط واجب» بعید نیست که در امر به معروف و نهی از منکر ما بتواند دخیل باشد.

– همین روایت را از یک زاویه ی دقیق تر هم می توانیم نگاه کنیم؛

مثلاً من یک آدم – معاذالله – شراب خوار باشم؛ خودم شراب می خورم، بعد به یک رفیقم که شراب می خورد، به او می گویم شراب نخور!

آیا این جا تکلیف امر به معروف و نهی از منکر من انجام شده است؟

یعنی حالا که عامل بودن شرط نیست، پس من خودم شراب می خورم، به این هم می گویم: رفیق، شراب نخور!

نه، اینجا تکلیف امر به معروف و نهی از منکر من انجام نشده است؛

اتفاقاً برای اینکه همان تذکر من اثر بیشتری بکند و تکلیف امر به معروف و نهی از منکر من انجام بشود، شاید واجب باشد که من با عملم در رفتار او مؤثر باشم؛

یعنی به او بگویم: رفیق، بین من ترک کردم، تو هم ترک کن!

من انجام نمی دهم، تو هم انجام نده!

لذا ممکنست خودِ این عامل بودن، نه به عنوان یک «شرط وجوب» (چون شرط وجوب نیست)،

بلکه به عنوان «شرط تحقق واجب» (شرط واجب)، لازم باشد.

لذا چون می توانم تأثیر بیشتر بر او بگذارم، بر من لازم است که خودم را هم درست کنم که با رفتارم هم او متذکر بشود و تذکر لسانی ام اثرش بیشتر می شود.

چون خیلی فرق است بین کسی که خودش رفتارش درست است و تذکر لسانی می دهد، با آن کسی که خودش رفتارش غلط است و تذکر لسانی می دهد.

گاهی شاید یک اثر منفی هم حتی بگذارد؛

پس نمی شود گفت که صرف تذکر لسانی رافع تکلیف است؛ نه، بعید است.

شاید جزئی از آن امر به معروف من همین باشد که این گناهکار دیگر این عمل را از من نبیند و این رفتار دیگر از من سر نزند!

پس نه به عنوان «شرط وجوب» اما به عنوان

«شرط واجب»

بعید نیست که بگوییم «اصلاح خودم هم لازم است».

لذا هم زمان که خودم را اصلاح می کنم، تذکرَم را هم به شخص گناهکار می دهم و تأثیرش هم بیشتر می شود.

– هر چیزی که به افزایش تأثیر تذکر ما کمک می کند، احتمال و شدت تأثیر را بالا می برد، در حد توان باید تحصیل کنیم.

اگر می بینم که با رفق و مدارا تذکر دادن من و با زبان خوش تذکر دادن من، تأثیر را بیشتر می کند، – وقتی می توانم: – باید این زبان خوش را، رفق و مدارا را و نرمی را تحصیل کنم؛

**بروم یاد بگیرم و چاشنی کارم بکنم!**

**هر چیزی که -هر صفت، هر روش و هر مهارتی که- می تواند کمک کند به افزایش اثرگذاری ما،  
می روم تحصیل می کنم،**

**اما نمی شود هم بگوییم که صبر می کنم هر وقت عادل شدم آن وقت امر به معروف میکنم!**

**یا هر وقت زبانم خوش و نرم شد، آن وقت امر به معروف می کنم!**

**نه، باید از باب «شرط واجب» آن را تحصیل کنم؛**

**مخصوصاً اگر امر به معروف یا نهی از منکر کردن من، منحصر و متوقف در آن باشد.**

**یعنی مثلاً بدانم با این آدم فقط با زبان خوش حرف بزنی جواب می دهد، در این صورت، آن جا  
باید زبان خوش صحبت کردن را زود بروم یاد بگیرم، تمرین کنم و بعد بتوانم روی آن انجام بدهم  
و تذکر بدهم؛ و این هم می شود «خودسازی همزمان»...**

**- پس، از آن طرف بوم نیافتیم!**

**این ها «شرط وجوب» نیست، اگر نمی شود این ها را تحصیل کرد باز هم باید تذکر را داد.**

**ولی اگر تحصیل کردن این ها و کلیه صفات، هنر ها و مهارت هایی که انسان می تواند برای  
افزایش تأثیر تذکرش به کار بگیرد،**

**لازم هست -به عنوان «شرط واجب» و نه «شرط وجوب»- این ها را باید سریع تحصیل کند، فکر  
کند؛ و به سرعت هم شروع کند به تذکر دادن.**

حدیث بیست و دوم: اِذَا اُذِيْتِ رَا قِيْمَتِ ...

عن أمير المؤمنين ع :

اعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ ...؛ وَقَالَ «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» [توبه / ۷۱]، فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعَلِمِهِ أَنَّهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَأَقِيْمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيِّنَتْهَا وَصَعَّبَتْهَا وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ ...

**\* سند روایت:**

تحف العقول ؛ النص ؛ ص ۲۳۷ - وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۱۳۰ - بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ۹۷ ؛ ص ۷۹ - الحياه (ترجمه احمد آرام) ؛ ج ۳ ؛ ص ۱۴۵

**\* شرح و ترجمه حدیث:**

امیرالمومنین علی علیه السلام [در حدیثی درباره امر به معروف و نهی از منکر، که از سیدالشهداء امام حسین علیه السلام نیز نقل شده است] فرمودند:

ای مردم! از پندی که خدا به دوستان و اولیائش داده است عبرت بگیرید...!

(در آنجا که) فرموده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ...»

مردان مؤمن و زنان مؤمن، برخی دوستان برخی دیگرند، به کار نیک فرمان می دهند و از کار بد

نهی می کنند و...» (توبه / ۷۱)؛

(در این آیه شریفه که شش عمل واجب را خداوند در آن اسم می برد:

امر به معروف، نهی از منکر، اقامه صلاه، ایتاء زکات، اطاعت از الله و اطاعت از رسول)،  
خداوند از «امر به معروف» و «نهی از منکر» - به عنوان فریضه‌ای الهی - آغاز کرده است،  
زیرا می‌دانسته است که چون این کار (امر به معروف و نهی از منکر) صورت پذیرد و عملی گردد  
(هم اداء و اجرا شود، و هم اقامه شود)،

همه کارهای واجب (دیگر) - آسان و دشوارش - عملی خواهد شد  
(برپا می‌شوند، محکم می‌شوند، استقامت پیدا می‌کنند...)  
چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است،  
همراه با جلوگیری از ستم‌ها و مخالفت با ستمگران و...

### \* نکات:

- در آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه، امر به معروف و نهی از منکر، «اول صفت مؤمن» (قبل از نماز و

روزه و اطاعت از الله و رسول) دانسته شده است؛ چرا؟!؟

چون خداوند می‌داند که:

«لَعَلِمَهُ بِأَنَّهَا: إِذَا أُدِّيتْ وَ أُقِيمَتِ، اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا...»؛

اگر امر به معروف و نهی از منکر اداء و اقامه بشود،

«همه» ی فریضه‌ها، «همه» ی واجبات

(چون در «الفرائض»، الف و لام تعمیم است و بعدش هم «كُلُّهَا» آمده است،)

درست می‌شوند، محکم می‌شوند، استقامت پیدا می‌کنند و برپا و اقامه می‌شوند.

**– ما واجبات آسان داریم و واجبات سخت داریم!**

مثلاً نماز خواندن شاید آسان باشد

(البته آن هم نه اصل نماز! بلکه همین نمازهایی که ما می خوانیم...)

یا روزه گرفتن ماه مبارک رمضان یک مقدار سخت تر است،

یا جهاد فی سبیل الله سخت تر؛

یا مثلاً خمس دادن برای بعضی ها خیلی سخت تر است! و...؛

اینجا حضرت امیر ع می فرمایند با اقامه ی امر به معروف و نهی از منکر، همه ی واجبات سخت و

آسان (هَيْئَهَا وَصَعْبَهَا)، همه اش محکم می شود، اقامه می شود، زنده می شود...

### **\* پیام ها و رهنمودها:**

– خداوند می داند که اقامه ی نماز هم وابسته به اقامه ی امر به معروف است؛

ایتاء زکات هم وابسته به ترویج امر به معروف است؛

اطاعت از الله و رسول، و در کل: همه ی واجبات دیگر، وابسته به اقامه ی امر به معروف و نهی از منکر است.

دلیل این خاصیت امر به معروف، این است که امر به معروف و نهی از منکر دعوت کننده مردم است به سوی اسلام و آنان را به مبارزه ی با ظلم و فساد دعوت می کند؛

و این که حقوق صاحبان حق را به آن ها بر می گرداند، و با ستمگران مبارزه می کند و...؛

حالا ظلم می خواهد ظلم در خانواده باشد یا ظلم مثلاً در سطح جهان باشد.

انشاءالله که همه مان این آیه ۷۱ سوره ی توبه را هم حفظ کنیم، هم انجام بدهیم و هم دیگران را به آن دعوت کنیم.

چون می فرماید: هم «أَدِّيت»، و هم «أَقِيْمَت»؛

هم باید امر به معروف را اداء کنیم و انجام بدهیم، و هم اقامه اش کنیم؛

اگر فقط انجامش بدهیم، «همه ی خوبی ها» زنده نمی شود!

پس هم «انجام» و هم «ترویج» امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ی همه ما است...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin\_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin\_ir